

Metaphorical Analysis from the Islamic Republic Party Viewpoint Regarding the Causes and Concept of Political Struggle

Hasan Khodadi ^{1*}

Mohammad Rabiei Kohandani ²

Received on: 27/09/2021

Accepted on: 07/02/2022

Abstract

This article aims to study the metaphorical analysis of the causes and concept of political struggle from the perspective of the Islamic Republic Party. The questions of the article are, "Firstly, What are the causes of struggle in human society in the discourse of the Republic Party? and secondly, What is the perception and understanding of the concept of struggle in this discourse?". Hypotheses have not been designed and tested to answer these questions. The research is qualitative. By assuming the conceptual metaphor theory of Lakoff and Johnson and the metaphor identification method, an attempt has been made to answer the questions. The authors have concluded that the Islamic Republic Party, with a psychological approach, considers the two internal tendencies of humans, i.e. selfishness and indulgence, to be the cause of the formation of struggle in human society. It is possible to control these inner tendencies that lead to contradiction and conflict with the guidance of external and internal prophets (intellect) and finally achieve an ideal society in which there is no oppression and, as a result, there is no struggle between different groups. Understanding the struggle from the party's perspective is done using perceptions that are rooted in everyday religious experiences and in this understanding, primary conceptual areas such as war, jihad, duty and responsibility, virtue and perfection, tools and means play a pivotal role.

Keywords: Conceptual Metaphor, Political Islam, Political Cognition, Political Parties and Organizations in Iran, Cognitive Linguistics.

1*. Assistant Professor, Political Science, Department of Islamic Studies, Mazandaran University, Mazandaran, Iran. (Corresponding Author: h.khodadi@umz.ac.ir)

2. PhD Candidate, Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. (Email: mrabiei@ut.ac.ir).

تحلیل استعاری از دیدگاه حزب جمهوری اسلامی درباره علل و مفهوم مبارزه سیاسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

حسن خدادی^{۱*}

محمد ربیعی کهندانی^۲

چکیده

مقاله حاضر به تحلیل استعاره‌ای علل و مفهوم مبارزه سیاسی از دیدگاه حزب جمهوری اسلامی اختصاص دارد. پرسش‌های مقاله عبارت‌اند از اینکه «اولاً علل مبارزه در جامعه انسانی در گفتمان حزب جمهوری چیست و ثانیاً در این گفتمان چه ادراک و فهمی از مفهوم مبارزه وجود دارد؟». برای پاسخ به این سؤالات فرضیه‌ای طراحی و آزموده نشده است. پژوهش از نوع کیفی است و با مفروض گرفتن نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون و روش شناسایی استعاره تلاش شده تا به پرسش‌ها پاسخ داده شود.

نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که حزب جمهوری اسلامی با رویکردی روان‌شناختی، دو گرایش درونی انسان‌ها یعنی افزون‌طلبی و خویش‌دوستی را عامل شکل‌گیری مبارزه در جامعه انسانی می‌داند که می‌توان با هدایت پیامبران ظاهری و باطنی (عقل) این گرایش‌های درونی را که منجر به نزاع و تضاد می‌شوند کنترل کرد و در نهایت به جامعه‌ای آرمانی رسید که در آن ظلم و ستم و در نتیجه مبارزه میان گروه‌های مختلف وجود نداشته باشد. فهم مبارزه در دیدگاه حزب با استفاده از ادراکاتی صورت می‌گیرد که ریشه در تجربیات روزمره مذهبی دارد و در این فهم حوزه‌های مفهومی مبدئی مانند جنگ، جهاد، وظیفه و تکلیف، فضیلت و کمال، ابزار و وسیله نقشی محوری دارند.

واژگان کلیدی: استعاره مفهوم، اسلام سیاسی، شناخت سیاسی، احزاب و سازمان‌های سیاسی در ایران، زبان‌شناسی شناختی.

.....
(صفحه ۳۰۵-۳۳۰)

*۱. استادیار علوم سیاسی گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران.

(نویسنده مسئول: h.khodadi@umz.ac.ir)

۲. دانش آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران. (mrabiei@ut.ac.ir)

مقدمه

سیاست جنبه حساس و سرنوشت‌ساز زندگی انسان است. اگر این جنبه از زندگی انسان را به عنوان حوزه‌ای مرتبط با تخصیص و توزیع آمرانه ارزش‌ها و منابع کمیاب، اداره و اصلاح امور عمومی و حکمرانی تعریف کنیم، سیاست و نهادهای سیاسی نقشی انکارناشدنی در تعیین مسیر و سرنوشت جوامع انسانی بازی می‌کنند. به همین دلیل، نیروهای سیاسی مختلفی که در جامعه حضور دارند در تلاشی دائمی برای تصرف این نهادها و کنترل منابع و شیوه توزیع و تخصیص آن‌ها هستند و این وجه مبارزه‌آمیز در جامعه انسانی را می‌توان امکانی همواره حاضر دانست که از وجوه بارز زندگی اجتماعی انسان است. جامعه بشری از آغاز شکل‌گیری و همواره در طول تاریخ، علاوه بر جوهی از سازگاری و همیاری، میدان تعارضات و منازعاتی بوده است که می‌تواند اشکال مختلفی داشته و در طیفی از کنش‌های مسالمت‌آمیز و غیرمسالمت‌آمیز طبقه‌بندی شوند. این طیف از کنش‌های غیرمسالمت‌آمیزی مانند جنگ، ترور، خشونت، محدودیت، سرکوب، طرد و حذف تا کنش‌های مسالمت‌آمیزی مانند گفتگو، مذاکره و رقابت‌های دموکراتیک را در بر می‌گیرد. در جوامعی با بافت اجتماعی متکثر که از گروه‌ها و نیروهای گوناگون و متفاوت قومی، زبانی، مذهبی، فرهنگی، ایدئولوژیک و طبقاتی شکل گرفته‌اند، تفاوت در رویکردها، باورها، اعتقادات، منافع، اهداف و آرمان‌ها در عرصه سیاست نیز بازتاب یافته و می‌توانند سبب تکثر نیروهای سیاسی شده و بستر و زمینه شکل‌گیری برخوردها و منازعات سیاسی را در اشکال مختلف در این جوامع را فراهم کند.

نوع فهمی که یک نیروی سیاسی از علل و مفهوم مبارزه دارد می‌تواند بر جهت‌گیری‌ها و کنش‌های سیاسی آن در عرصه سیاسی و در برابر نیروهایی که دیگری یا رقیب آن محسوب می‌شوند تأثیرگذار باشد. در مقاله حاضر، با توجه به اهمیت حزب جمهوری اسلامی به عنوان حزبی که پس از انقلاب در مسیر استقرار و تأسیس نظام جمهوری اسلامی نقشی بسیار مهم و سرنوشت‌ساز داشته است، به بررسی نوع نگاه این حزب به مفهوم «مبارزه سیاسی» خواهیم پرداخت. پیشینه پژوهش در زمینه بررسی مفهوم مبارزه و منشاء آن در گفتمان نیروهای سیاسی در ایران بسیار محدود است و در این زمینه پژوهشی در زمینه گفتمان حزب جمهوری اسلامی صورت نگرفته است. بر این اساس، دو موضوع را در گفتمان حزب جمهوری اسلامی بررسی خواهیم کرد: از یک سو، دیدگاه حزب درباره منشاء و علل مبارزه در جامعه بشری را مطالعه می‌کنیم و از سوی دیگر نوع ادراک و فهم حزب از

مبارزه را براساس روش تحلیل استعاره بررسی و تحلیل خواهیم کرد. با این مقدمات، پرسش‌های اصلی ما عبارت خواهند بود از: «۱- علل مبارزه در جامعه انسانی در گفتمان حزب جمهوری چیست و ۲- در گفتمان این حزب چه ادراک و فهمی از مفهوم مبارزه وجود دارد؟» که نحوه پاسخگویی ما به پرسش دوم با توجه به مبانی نظری پژوهش از راه پاسخ به این سؤال خواهد بود که «مفهوم مبارزه در گفتمان حزب جمهوری اسلامی با استفاده از چه استعاره‌هایی درک می‌شود؟» برای پاسخ به این سؤالات فرضیه‌ای طراحی و آزمون نخواهد شد و با مفروض گرفتن نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون و روش تحلیل استعاره‌ای تلاش می‌شود تا به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شود.

الف- مبانی نظری پژوهش

۱- مبارزه

منازعه در مفهوم عام آن همزاد انسان است (دلوری، ۱۳۸۳: ۱۰۸) و در طول تاریخ از مهم‌ترین مسائل جامعه بشری و از دلمشغولی‌های پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی به شمار رفته است. در زمینه شناسایی ریشه‌ها، علل، ماهیت و پیامدهای مبارزه میان صاحب‌نظران و پژوهشگران اختلاف نظر وجود دارد. این اختلاف نظرها در حدی است که می‌توان گفت هیچ نظریه عمومی واحدی در حوزه مبارزه و به تبع آن همکاری و صلح وجود ندارد که مورد پذیرش همگانی باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱: ۷۵). در این میان، آنچه غیرقابل انکار به نظر می‌رسد، استمرار مبارزه و وقوع مکرر آن در اشکال مختلف به عنوان یک رفتار و پدیده اجتماعی در جامعه است. مبارزه و ستیز همزاد انسان‌ها و موجودات زنده است که ریشه در میل آن‌ها برای تصرف منابع و ارزش‌های حیاتی کمیاب یا رفع تهدید از آن‌ها دارد. از آنجا که این منابع و ارزش‌های حیاتی عامل بقا و حفظ موجودیت است و صیانت نفس امری ذاتی برای انسان تلقی می‌شود، مبارزه نیز بخشی انکارناشدنی از زندگی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۳۸).

تعاریف از مبارزه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اول تعاریفی که هرگونه ناسازگاری و رویارویی میان افراد و گروه‌ها را مبارزه تلقی می‌کنند و دوم، تعاریفی که ناسازگاری‌ها و برخوردهایی را مبارزه می‌دانند که همراه با درجاتی از خشونت و تخاصم باشند. در دسته اول متفکرانی مانند

ماکس وبر، جورج زیمل و رالف دارندروف قرار می‌گیرند و در دسته دوم متفکرانی مانند لوئیس کوزر و جانانان ترنر را می‌توان نام برد (دلآوری، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۰۹). برای مثال وبر مبارزه را نوعی رابطه اجتماعی می‌داند که کنش‌های مرتبط با آن در عمل در جهت پیشبرد خواست‌های یک فرد یا گروه علیه مقاومت دیگری باشد. بر این اساس، هر نوع کنش رقابت‌آمیز، هر چند مسالمت‌آمیز و بدون برخوردهای خشن باشد، مبارزه است (وبر، ۱۳۷۴: ۴۶-۴۵). در مقابل، لوئیس کوزر مبارزه را کشمکش و مبارزه بر سر ارزش‌ها، قدرت و منابع کمیاب می‌داند که در آن هدف هر یک از طرفین خنثی کردن، صدمه زدن و یا نابود کردن رقیب است (Cosser, 1956:8). به بیان دیگر، در مبارزه همواره سطحی از خشونت و نفی و طرد دیگری را می‌توان دید. به بیان دیگر، مبارزه یا تضاد، رابطه مخالف‌آمیز میان بازیگرانی است که در صدد کنترل یک چیز مشابه هستند و رخ دادن آن مستلزم تعریف شدن حوزه مبارزه به عنوان حوزه‌ای مشترک میان بازیگرانی است که یکدیگر را به صورت غیر و متفاوت درک می‌کنند اما در همان حال به وسیله منافع و ارزش‌هایی که برای هر دو طرف مهم هستند به هم پیوند می‌خورند (دلپورتا و دیانی، ۱۳۹۰: ۳۲).

در پژوهش حاضر مفروض ما در تعریف منازعه با تأکید بر مبارزه در عرصه سیاسی، بر اساس نظریه وبر خواهد بود. بر این اساس مبارزه نوعی رابطه اجتماعی است که به کنش‌های یک فرد، گروه یا نیروی سیاسی علیه مقاومت دیگری در برابر پیشبرد خواست‌هایش اشاره دارد و می‌تواند طیفی از کنش‌های رقابت‌آمیز صلح‌جویانه و یا خشن و غیرمسالمت‌آمیز در عرصه سیاسی را در بر بگیرد (وبر، ۱۳۷۴: ۴۶-۴۵).

۲- استعاره مفهومی

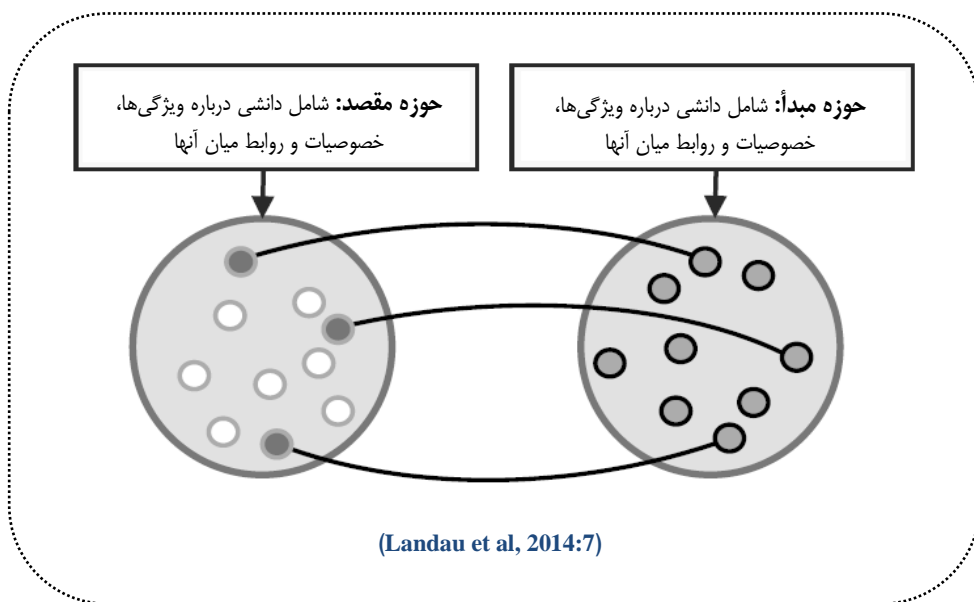
مقاله حاضر در تعریف استعاره بر نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون متکی است. لیکاف و جانسون با بهره‌گیری از پژوهش‌ها و یافته‌های علوم شناختی و زبان‌شناسی و نقد دیدگاه کلاسیک ارسطویی، دیدگاهی جدید درباره استعاره ارائه کردند که نخستین صورت‌بندی آن در کتاب استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم (Lakoff & Johnson, 1980a) ارائه شد. نظریه کلاسیک، استعاره را ویژگی کلمات و پدیده‌ای زبانی می‌داند که برای تولید اثری ادبی، هنری و بلاغی بکار می‌رود، مبتنی بر مقایسه و شباهت میان دو هستی است و استفاده از آن عامدانه، آگاهانه و نیازمند استعداد و نشانه نبوغ است. در واقع، استعاره صنعتی ادبی، امری تزئینی، زائد و ابزار زیبایی کلام تلقی

می‌شود، بخشی از زبان روزمره و عادی نیست و می‌توان بدون به‌کارگیری آن از زبان استفاده کرد (کوچش، ۱۳۹۶:۱۲). لیکاف و جانسون بنیادهای نظریه سنتی استعاره را به چالش کشیدند و در اثر مشترک خود با شواهد زبان‌شناختی نشان دادند یک نظام منسجم استعاری وجود دارد که نظام مفهومی روزمره ما را ساختمند می‌کند. این نظام مفهومی شامل اکثر مفاهیم انتزاعی می‌شود که بخش بزرگی از زبان روزمره ما را شکل می‌دهند. آن‌ها اثبات کردند که استعاره‌ها صرفاً ابزارهای تزئینی و بلاغی نیستند بلکه تجلی الگوهای فکری و شناختی هستند که ما بر اساس آن‌ها تفکر و عمل می‌کنیم (Nokele, 2014:75). در واقع، زبان استعاری بخشی جدایی‌ناپذیر از زبان روزمره و عادی است که به صورت یک نظام منسجم، نظام مفهومی زیربنای اندیشه و کنش ما را شکل می‌دهد (Lakoff, 1993:204). بر این اساس، استعاره در ذات زبان است و اگر آن را از زبان حذف کنیم نه تنها شعر، فلسفه و علم، بلکه تمام زندگی روزمره و ارتباطات خود را مختل کرده و از بین برده‌ایم (داوری اردکانی، ۱۳۹۳:۹-۷). از سوی دیگر، کاربرد استعاره اغلب اوقات ناهشیارانه و غیر عمدی است (Schmitt, 2005:362). در بسیاری از رفتارها و کنش‌های روزمره، ما کمابیش به صورتی ناهشیار و خودکار بر اساس الگوهای مشخصی تفکر و عمل می‌کنیم که ماهیت بخش عمده این الگوها استعاری است (Lakoff & Johnson, 1980a:4). پس کاربرد استعاره امری عادی است که هر انسانی نه تنها قابلیت بکار بردن آن را دارد، بلکه بالاجبار باید از آن حتی در جزئی‌ترین و پیش و پا افتاده‌ترین امور روزمره خود بهره ببرد. به این ترتیب، در نظریه استعاره مفهومی، استعاره ویژگی مفاهیم است نه کلمات و نقش آن کمک به فهم بهتر مفاهیم است که اغلب مبتنی بر شباهت نیست. مهم‌تر از همه اینکه، استعاره در زندگی روزمره و توسط افراد عادی به صورت ناآگاهانه و بدون تلاش بکار گرفته می‌شود و مختص افراد نابغه یا برجسته نیست. در واقع، استعاره فرایند و ویژگی اجتناب‌ناپذیر اندیشه انسان است، نه امری زائد که تزئینی و آرایشی قلمداد شود (کوچش، ۱۳۹۶:۱۲).

۱-۲- تعریف استعاره مفهومی

لیکاف و جانسون استعاره را به معنای «فهم یک حوزه مفهومی برحسب حوزه مفهومی دیگر (کوچش، ۱۳۹۶:۲۰)» یا «فهم یک حوزه تجربه برحسب حوزه تجربه متفاوت دیگر» می‌دانند. به بیان دیگر، لیکاف استعاره را به مثابه «نگاشت^۱ یک حوزه مفهومی بر حوزه مفهومی دیگر» تعریف می‌کند

(Lakoff, 1993:206-207). استعاره نگاشتی بین حوزه‌ای^۱ است که با استفاده از آن یک حوزه مفهومی مفهومی از طریق حوزه مفهومی دیگر بیان و یا فهمیده می‌شود (Steen et al. 2010:8). نگاشت مفهومی به معنای مجموعه‌ای از وابستگی‌های نظام‌مند بین عناصر دو حوزه مفهومی است که در یک استعاره به یکدیگر مرتبط می‌شوند. این عناصر می‌توانند روابط، ویژگی‌ها و خصوصیات باشند که از یک حوزه مفهومی به حوزه دیگر انتقال پیدا می‌کنند (Landau et al. 2014:6). به این ترتیب، مفهوم استعاره به مثابه نگاشت بین حوزه‌ای^۲ دلالت بر این دارد که یک حوزه مفهومی از طریق حوزه مفهومی دیگری بیان شده یا یک حوزه مفهومی برای توصیف حوزه دیگر بکار رفته است (Steen et al. 2010:8). این تناظرها را لاندائو و همکارانش در شکل زیر نمایش داده‌اند:



شکل شماره ۱- نمایش گرافیکی نگاشت‌های مفهومی

در تصویر بالا حوزه مفهومی که ما از آن برای فهم حوزه دیگر استفاده می‌کنیم حوزه منبع یا مبدأ^۳ و حوزه‌ای که با این سازوکار فهمیده می‌شود حوزه مقصد یا هدف^۴ نامیده می‌شود (Landau et al.)

- 1 . Cross-domain Mapping
- 2 . Cross-domain Mapping
- 3 . Source domain
- 4 . Target domain

2014:5). در حالی که حوزه مبدأ معمولاً عینی‌تر، قابل درک‌تر و مبتنی بر تجربیات جسمی-بدنی روزمره است، حوزه مقصد انتزاعی‌تر و پیچیده‌تر است (کوچش، ۱۳۹۶:۲۱). برای بیان ارتباط میان دو حوزه مبدأ و مقصد از فرم‌های «حوزه مقصد حوزه مبدأ است»^۱ و یا «حوزه مقصد به مثابه حوزه مبدأ»^۲ استفاده می‌شود (Lakoff, 1993:207).

باید دقت کرد که لیکاف و جانسون میان استعاره‌های مفهومی و عبارت‌های زبانی استعاری^۳ تمایز قائل می‌شوند و معتقدند با توجه به ماهیت انتزاعی استعاره‌های مفهومی، آنها معمولاً در محاوره و زبان روزمره بکار برده نمی‌شوند (Nokele, 2014:36) و نمی‌توان این استعاره‌ها را با یک واژه یا عبارت منفرد در گفتار یا نوشتار شناسایی کرد (Lakoff, 1993:208). پس استعاره‌های مفهومی که در اندیشه ما حضور دارند و زیربنای دستگاه مفهومی ما را شکل می‌دهند در قالب عبارت‌های زبانی در متن ظاهر می‌شوند (Deignan, 2016:103). به این ترتیب، برای اینکه بتوانیم موجودیت استعاره‌های مفهومی را طرح و پیشنهاد کنیم باید عبارت‌های زبانی را که بر وجود آنها دلالت دارند شناسایی کنیم (کوچش، ۱۳۹۶:۲۱).

۲-۲- انواع استعاره مفهومی

لیکاف و جانسون استعاره‌های مفهومی را به سه نوع ساختاری^۴، استعاره جهت‌ی^۵، و استعاره هستی‌شناختی^۶ تقسیم می‌کنند.

۲-۲-۱- استعاره ساختاری

مهم‌ترین نوع مفهوم‌سازی انسان است و در آن یک مفهوم به صورت استعاری برحسب مفهومی دیگر ساختمانده می‌شود (Lakoff & Johnson, 1980a:14). به بیان دیگر، حوزه مبدأ ساختاری از دانش را برای فهم حوزه مقصد در اختیار ما می‌گذارد و سوژه‌ها را قادر می‌کند تا حوزه مقصد الف را بر حسب ساختار حوزه مبدأ ب بفهمند و درک کنند (کوچش، ۱۳۹۶:۶۷).

- 1 . TARGETDOMAIN IS SOURCE-DOMAIN
- 2 . TARGET-DOMAIN AS SOURCE-DOMAIN
- 3 . Linguistic Metaphor
- 4 . Structural Metaphor
- 5 . Orientational Metaphor
- 6 . Ontological Metaphor

۲-۲-۲- استعاره جهتی

در این نوع استعاره نه یک مفهوم بر حسب مفهوم دیگر، بلکه یک نظام کامل مفاهیم نسبت به نظام دیگر سازماندهی می‌شود. این استعاره‌ها بیشتر با سمت‌گیری‌های فضایی و جهتی مانند بالا-پایین، داخل-خارج، دور-نزدیک، عمیق-کم عمق، روشن-خاموش و مانند آن مرتبط‌اند، به همین دلیل آنها را جهتی می‌نامند. این جهت‌گیری‌های فضایی از ویژگی‌های بدن‌های ما نشأت می‌گیرند و ما بر اساس درکی که از آنها داریم عمل می‌کنیم و محیط پیرامون خود را می‌شناسیم (Lakoff & Johnson, 1980a:14).

۳-۲-۲- استعاره هستی‌شناختی

تجربیات ما در مواجهه با اجسام و مواد اطرافمان می‌تواند مبنای مهمی برای فهم مفاهیم در اختیار ما قرار دهند (Lakoff & Johnson, 1980b:198). کوچش می‌گوید «این بدان معناست که ما تجربه‌های خود را بر حسب اجسام، مواد و ظرف‌ها به طور کلی می‌فهمیم، بدون اینکه تعیین کنیم کدام نوع جسم، ماده یا ظرف مدنظر است (کوچش، ۱۳۹۶:۶۹)».

ب- روش پژوهش

۱- منابع پژوهش

منابع پژوهش حاضر ماهیت کتابخانه‌ای دارند و شامل مجموعه متن‌های مکتوبی می‌شوند که پس از انقلاب اسلامی تا اواسط دهه ۱۳۶۰ توسط حزب جمهوری اسلامی منتشر شده‌اند. این متن‌ها شامل دو دسته آثار ایدئولوژیک و سیاسی-اعلانی می‌شوند. آثار ایدئولوژیک متن‌هایی هستند که برای آموزش اعضا و مشخص کردن مختصات ایدئولوژی حزب منتشر شده و آثار سیاسی-اعلانی شامل اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و نوشته‌هایی هستند که مواضع سیاسی حزب را مشخص می‌کنند.

۲- رهیافت پژوهش در مطالعه استعاره‌ها

ما از رهیافتی پایین-بالا^۱ برای مطالعه استعاره‌ها در متن استفاده می‌کنیم که ویژگی استقرایی^۲ دارد

.....
1 . Bottom- up

2 . Inductive

و بر اساس آن به جستجوی تمام واژگان استعاره‌ای حوزه مقصد مبارزه در منابع پژوهش می‌پردازیم بدون اینکه استعاره مفهومی خاصی را مفروض بگیریم (Pragglejaz Group, 2007: 1-2). به دلیل عدم وجود پیکره دیجیتال، برای جستجو و کشف استعاره‌ها در متن از شیوه دستی^۱ استفاده می‌کنیم که طی آن سطر به سطر متن برای کشف استعاره‌ها مطالعه می‌شود (Stefanowitsch, 2006: 2).

۳- روش گردآوری و تحلیل داده‌ها

برای شناسایی استعاره‌های زبانی و مفهومی در دورن متن ما از روشی دو مرحله‌ای استفاده خواهیم کرد.

در مرحله نخست با استفاده از «روش شناسایی استعاره» یا MIP^۲ استعاره‌های زبانی حوزه مقصد مبارزه را استخراج می‌کنیم. این روش مجموعه‌ای از دستورالعمل‌هایی است که باید تمام متن بر اساس آن مطالعه و تحلیل شود. این دستورالعمل‌ها عبارت‌اند از: «۱- همه متن را برای به دست آوردن فهمی عمومی از آن مطالعه کنید، ۲- واحدهای واژگانی را مشخص کنید، ۳- الف- معنای هر واحد واژگانی را مشخص و بررسی کنید که آیا واحد مذکور معنای پایه‌ای تری^۳ در بافت‌های دیگر دارد یا خیر؟ ۳- ب- اگر واحد واژگانی معنای پایه‌ای تری در بافت‌های دیگر دارد؛ آیا معنای زمینه‌ای^۴ آن با معنای پایه‌ای تفاوت دارد اما در مقایسه با آن فهمیده می‌شود یا خیر؟ ۴- اگر این‌گونه باشد واحد واژگانی مستعار است» (Pragglejaz Group, 2007:3).

در مرحله دوم و پس از گردآوری و دسته‌بندی عبارت‌های زبانی، استعاره‌های مفهومی حوزه مقصد مبارزه را استنباط می‌کنیم (Steen, 2007:52). در این مرحله به شناسایی حوزه‌های مبدأ و مقصد با بررسی معنای پایه‌ای و معنای زمینه‌ای واژه‌های استعاره‌ای می‌پردازیم. به این شکل که معنای پایه‌ای نشان‌گر حوزه مفهومی مبدأ و معنای زمینه‌ای نشان‌گر حوزه مفهومی مقصد خواهد بود. با استخراج حوزه مقصد و مبدأ، استعاره مفهومی بکار گرفته شده را می‌توان استنباط و آن را در فرم‌های «حوزه مقصد حوزه مبدأ است» و یا «حوزه مقصد به مثابه حوزه مبدأ» (Lakoff, 1993:207) بیان کرد.

- 1 . Manual searching
- 2 . Metaphor Identification Procedure
- 3 . Basic Meaning
- 4 . Contextual Meaning

پ- یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر دو بخش خواهد داشت. ابتدا برای پاسخ به پرسش نخست پژوهش، نظریه حزب جمهوری اسلامی درباره علل و منشاء مبارزه سیاسی را بررسی خواهیم کرد. سپس برای کشف نوع ادراک و فهم از مبارزه در نظام آگاهی حزب به بررسی استعاره‌های حوزه مقصد مبارزه سیاسی در گفتمان آن می‌پردازیم. برای استخراج این استعاره‌ها با کاربرد روش تحلیل استعاره‌ای به جستجوی واژگانی مانند مبارزه، تنازع، مبارزه، ستیز، جنگ و مانند آن در متون یاد شده پرداخته‌ایم و سپس با جمع‌بندی و تحلیل این استعاره‌های زبانی به تعدادی استعاره مفهومی دست یافتیم.

۱- منشاء مبارزه از دیدگاه حزب جمهوری اسلامی

در مواضع ما (حزب، بی‌تا ب) که متن اساسی و محوری برای تبیین مواضع حزب و در واقع مانیفست آن درباره جهان و جامعه و انسان است، به علل و ریشه مبارزه و تضاد در جامعه انسانی پرداخته شده است. در این متن انسان در حالت پیشا اجتماعی و طبیعی به عنوان موجودی تربیت نشده تصویر شده که با خواسته‌ها، گرایش‌ها و غرایز طبیعی خود زندگی می‌کند. جمعیت انسان‌ها در این دوره، از نظر خواست‌ها و نیازها، یکدست و هماهنگ است و این هماهنگی ناشی از سرشت مشترک آن‌ها است؛ اما این جمع هماهنگ و یکدست به تدریج و تحت تأثیر دو گرایش درونی انسان‌ها به کشمکش و تنازع کشیده شده و غرایز انسانی آن‌ها رو به افراط و طغیان می‌گذارد. این دو گرایش عبارت‌اند از: افزون‌طلبی یا تکاثر و خویشتن‌دوستی. افزون‌طلبی زمینه ظلم و استثمار و خویشتن‌دوستی زمینه استکبار، نژادپرستی و تعصب فکری را میان انسان‌ها فراهم می‌کند (حزب، بی‌تا ب: ۱۷). این دو گرایش سبب می‌شوند:

«جمع بی‌فرهنگ آدمیان در تلاش حیوانی خود... به ضعیف و قوی، مستکبر و مستضعف تقسیم و بنای ظلم تاریخی (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) نهاده شود (حزب، بی‌تا ب: ۱۷)».

شهید بهشتی این دو عامل را برهم‌زننده همسانی، یکنواختی و تعادل زندگی اجتماعی بشر نخستین می‌داند (بهشتی، ۱۳۸۸: ۲۹۶). به این ترتیب، بر اثر رشد و تسلط این دو گرایش بر رفتار انسان‌ها، زندگی بشر صحنه مبارزه و درگیری‌هایی می‌شود که اغلب به استکبار و سلطه بیشتر

قوی‌ترها و استضعاف و محرومیت ضعیف‌ترها می‌انجامد (حزب، بی تا ب: ۱۷). براساس همین تحلیل، بهشتی و به تبع آن حزب جمهوری اسلامی سراسر تاریخ را صحنه جنگ می‌دانند اما این جنگ به معنای صرف جنگ طبقاتی که تفکرات چپ‌گرا می‌گویند نیست. این تنازع و جنگ تنها عامل اقتصادی ندارد و برتری‌طلبی، تفوق‌طلبی و استکبار عامل اساسی آن است و به این ترتیب، تاریخ نه صرفاً جنگ طبقاتی، بلکه جنگ میان «محرومان و مستضعفان با مترفان و مستکبران» است (بهشتی، ۱۳۸۸: ۳۱۲-۳۱۱). می‌توان گفت دیدگاه حزب در زمینه منشاء مبارزه، دیدگاهی فردگرایانه و روان‌شناختی است. ریشه مبارزه را باید در گرایش‌های روانی و غرایز درونی انسان‌ها ریشه‌یابی کرد. گرایش‌هایی که سبب زیاده‌خواهی، سلطه‌طلبی و در نتیجه ورود به درگیری و نزاع با دیگران برای تصرف منابع کمیاب در جامعه می‌شود.

در نتیجه تحلیل فوق، راه‌حلی که برای مبارزه ارائه می‌شود نیز راه‌حلی فردگرایانه و روان‌شناختی است. حزب معتقد است مبارزه باید کنترل شود و به پایان برسد، زیرا در غیر این صورت سبب به خطر افتادن هدف عمومی و کلی انسان و تاریخ یعنی «سیر الی الله» می‌شود (حزب، بی تا ب: ۱۸). راه‌حل پیشنهادی شامل کنترل غرایز و گرایش‌های درونی است که در هر انسانی وجود دارد. به این شکل که در شرایط تسلط غرایز و گرایش‌های نامطلوب آدمی بر اجتماع، یک راهنما «با اندیشه و اخلاق برتر می‌تواند به این کشمکش فرجامی نیکو ببخشد و حق را بنمایاند» (حزب، بی تا ب: ۱۷). این هادی یا هدایت‌گر «نبی و پیامبر» است. پیامبری برانگیخته از سوی خدا و از میان مردم که برای احقاق حق و مبارزه با موانع رشد و رستگاری برمی‌خیزد تا به انسان‌های دربند، تسلیم شدن در برابر حق و مبارزه با ظلم و طاغوت را آموزش دهد و آن‌ها را در از بین بردن آفت‌ها و موانع رشد یاری کند. پیامبر با هدف هدایت مردم برای بیرون آمدن از وضعیت تحت سلطه به سمت حرکت تکاملی به سوی خدا و در نهایت استقرار پایه‌های جامعه آرمانی فعالیت می‌کنند (حزب، بی تا ب: ۱۸). بهشتی در جایی دیگر، برای نجات جامعه از کشمکش و مبارزه، علاوه بر بعثت انبیاء الهی یا پیامبر ظاهری، بر بکار انداختن «پیامبر باطن» یعنی عقل تأکید می‌کند. از نظر وی عقل عملی که بتواند نیک و بد را تشخیص دهد، می‌تواند به انسان کمک کند (بهشتی، ۱۳۸۸: ۳۱۳).

در بخش مبانی نظری دیدیم که گرایش غالب در نظریات مبارزه تأکید بر استمرار آن در طول تاریخ بشر است. حزب جمهوری اسلامی این دیدگاه که مبارزه در طول تاریخ بشری همواره وجود داشته را می‌پذیرد اما در عین حال، معتقد است که مبارزه در جایی از تاریخ به پایان خواهد رسید. در

دیدگاه حزب مبارزه مطلوبیت ذاتی ندارد و فقط زمانی مشروعیت می‌یابد که انسان مکتبی برای رسیدن به هدفی متعالی از آن استفاده می‌کند و آن رسیدن به پیروزی نهائی حق بر باطل و استقرار نظم مبتنی بر صلح و بدون ستیز در جهان است. نظمی که به مثابه بهشتی زمینی در متون حزب تصویر می‌شود (حزب، ۱۳۸۹:۳۲۷) و در آن خبری از مبارزه، تضاد و ستیز نخواهد بود. پس مبارزه در نظام آگاهی حزب، فرجامی نیکو دارد و آن استقرار جامعه آرمانی توحیدی است (حزب، بی‌تا ب:۱۸). جامعه‌ای که در آن حق و عدالت بر باطل و ظلم پیروز شده و همه استعداد‌های انسان در جهانی پر از صلح و شادی و سعادت شکوفا می‌شود. جامعه‌ای که همواره امید مستضعفان تاریخ بوده است (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸). بعثت انبیاء برای پایان دادن به تضاد و درگیری، نمایاندن حق و استقرار نظام آرمانی توحیدی بوده است (بهشتی، ۱۳۸۸:۳۱۴). یکی از بزرگان تاریخ خودمان، در جریان مبارزات مشروطه، به یاران و دوستانش می‌گفت: بجنگید. مبارزه کنید. همان وقتی که می‌بینید کار سخت است، بازهم مبارزه کنید تا وقتی که ببینید قطعاً شکست خواهید خورد. وقتی به آنجایی رسیدید که دیدید حتماً شکست می‌خورید، بازهم مبارزه کنید. آن وقت پیروز خواهید شد (خامنه‌ای، ۱۳۵۳:۵۸۶). پس مبارزه درجایی از تاریخ به پایان می‌رسد و این آینده‌ای حتمی و تخلف‌ناپذیر است. آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به آیه ۱۳۹ سوره آل‌عمران (قرآن کریم) معتقد است: پیروان انبیا هم در همه جا امکان موفقیت دارند و مسلماً موفق خواهند شد، (اینجاست که اراده انسان در ساختن آینده تاریخ دخیل است)، این دو شرط اگر وجود داشته باشند، همه نهضت‌هایی که در طول تاریخ بر اساس دین و فکر قرآنی و اسلامی انجام گرفته‌اند و انجام خواهند گرفت تا ابد موفق و پیروز خواهند شد. احتیاجی به معجزه هم نیست. بدون اینکه دستی هم از غیب بیاید، اگر این دو شرط وجود داشته باشند، اسلام و قرآن و دین و افکار قرآنی امکان اصلی موفقیت را خواهند داشت. آن دو شرط چه هستند؟ یکی از آن دو شرط ایمان است، اعتقادی از روی آگاهی است، باوری است همراه با تعهدپذیری، قبولی همراه با تلاش و حرکت. شرط دوم صبر است، یعنی مقاومت کردن و از میدان درنرفتن و کار را در لحظه حساس و خطرناک رها نکردن. (خامنه‌ای، ۱۳۵۳:۵۸۱). به همین دلیل شهید بهشتی و آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند، پیروزی صرفاً از طریق یک مبارزه مکتبی به دست می‌آید (بهشتی و خامنه‌ای، بی‌تا: ۳۰).

به این ترتیب، در گفتمان حزب جمهوری اسلامی علل و ریشه مبارزه در جامعه را باید در گرایش‌های روانی و درونی انسان‌ها جستجو کرد. اگر این گرایش‌ها و غرایز انسان با هدایت پیامبر

ظاهری یا باطنی به بند کشیده و کنترل شوند و با تعلیم و تربیت در مسیر درست هدایت شوند، دیگر علتی برای مبارزه و ستیز دائمی در جامعه وجود نخواهد داشت. در واقع در نگاه حزب، مبارزه راه‌حلی نهایی دارد و می‌توان جامعه‌ای آرمانی را تصور کرد که در آن اثری از مبارزه میان گروه‌های مختلف وجود نداشته باشد. پس مبارزه امری ذاتی نیست که از ازل تا ابد حضور داشته باشد و می‌توان آن را با حاکمیت حق و هدایت جامعه از میان برداشت.

۲- فهم از مبارزه در گفتمان حزب جمهوری اسلامی

انسان همواره از نظام ناخودآگاه استعاری استفاده می‌کند تا بتواند پیچیدگی‌های جهان اطراف خود را قابل فهم کند. این روش فهم، برای درک مفاهیم انتزاعی نیز بکار می‌رود و انسان با استفاده از مفاهیم برخاسته از تجربیات روزمره و ملموس تلاش می‌کند تا امور انتزاعی را بفهمد. مبارزه سیاسی نیز به عنوان مفهومی انتزاعی در عرصه سیاسی از این شیوه فهم جدا نیست و سوره‌های سیاسی با استفاده از استعاره‌ها، نوع درک و جهت‌گیری فکری خود نسبت به این مفهوم را مشخص می‌کنند. در ادامه به بررسی استعاره‌های حوزه مقصد مبارزه در گفتمان حزب خواهیم پرداخت که نشان‌دهنده نوع فهم و ادراک از مبارزه در گفتمان این حزب است.

۲-۱- مبارزه به مثابه جنگ

در گفتمان حزب جمهوری اسلامی مبارزه میان نیروهای سیاسی در جامعه برای تصرف منابع کمیاب با حوزه مفهومی جنگ فهمیده می‌شود؛ جنگی واقعی با استفاده از سلاح و نه تصویری تمثیلی. جلال‌الدین فارسی در مستدل کردن این فهم از مبارزه، بحث مشروحی درباره نهضت‌ها و جنبش‌های پیامبران دارد. وی معتقد است که نهضت‌های پیامبران دارای جنبه قوی مسلحانه بوده‌اند (فارسی، ۱۳۵۸ ب: ۴؛ فارسی، ۱۳۵۸ الف: ۱). فارسی در تأکید بر لزوم مسلحانه بودن مبارزه تا آنجا پیش می‌رود که نظریه‌های مبتنی بر مبارزه مسالمت‌آمیز و خشونت‌پرهیز یا «گاندی‌ایسم» را نقشه و طراحی استعمار برای به تعویق انداختن مبارزات می‌داند (فارسی، ۱۳۵۸ ب: ۸). پس مبارزه مسلحانه بخش جدایی‌ناپذیر از مبارزه مکتبی است و مخالفان آن «خسر الدنیا و الآخره هستند» (فارسی، ۱۳۵۸ ب: ۱۴). وی اعتقاد دارد در ایران نیز به طور کلی «دشمنان ملت، حافظان رژیم و سلطنت و طاغوت، مبلغان سیاست‌های بیگانه و عوامل آن‌ها و همه افراد بیمارگونه، پیش از انقلاب اسلامی و پس از

انقلاب اسلامی طرفدار ترک مبارزه مسلحانه بودند (فارسی، ۱۳۵۸ ب: ۱۳).

شهید مفتاح معتقد است در هر انقلابی، دشمنان مکتب که همان طبقه حاکم و مسلط بر جامعه هستند، با هر وسیله ممکن برای سرکوب و نابودی حرکت انقلابی وارد صحنه می‌شوند (حزب، بی تا پ: ۶). به همین دلیل برای حفظ حرکت انقلابی، مقابله و مبارزه امری ضروری است. مبارزه‌ای که برای فهم آن از حوزه مبدأ جنگ استفاده می‌کند:

«در انقلاب اسلامی جنگ و در تعبیر قرآن قتال و جنگ در حد ضرورت در مقابله با

فساد و ستمگری جایز شمرده شده است» (حزب، بی تا پ: ۶).

هدف این جنگ و قتال «خدا» است. هدفی که حزب به طور مشخص آن را تلاش در راه رسیدن به فضیلت، عدل، قسط و مساوات می‌داند (حزب، بی تا پ: ۷). بهشتی معتقد است رویکرد قرآن نسبت به جنگ و قتال دو نوع است: جنگ زشت و گناه که در راه طاغوت است و جنگ توصیه شده و صواب که جنگ در راه خدا و آرمان‌ها و اهداف الهی است (بهشتی، ۱۳۶۱: ۴۹). پس مبارزه با ارزش، مبارزه برای خدا و در راه خدا است و در غیر این صورت آن مبارزه ارزشی ندارد (حزب، بی تا الف: ۱۳).

در نگاه حزب جمهوری اسلامی، حضور در مبارزه و جنگ در راه خدا به اندازه‌ای مهم است که مطالعه اسلام بدون شرکت در مبارزات و منازعات سیاسی را زمینه‌ساز انحراف می‌داند. حزب گرایش به تفکر لیبرالیسم التقاطی، تفکری که به گروه‌هایی مانند نهضت آزادی نسبت می‌داد را حاصل همین عدم شرکت در مبارزات سیاسی همراه با تنفس در فضای تفکرات غربی می‌داند (حزب، ۱۳۵۹ ب: ۲۵). این موضوع درباره علمای دینی هم صدق می‌کند و حزب در رسالت روحانیت تأکید می‌کند که علم و زهد بدون مبارزه سیاسی و اجتماعی، سبب از دست رفتن ظهور و بروز اجتماعی دین می‌شود. عالم ربانی در اندیشه حزب، عالمی است که «از علم سلاحی برای شلیک کردن به سوی امور ضد انسانی و ضد خدائی می‌سازد». به همین دلیل حزب «علم برای علم و زهد برای زهد را نوعی شرک و بت پرستی» می‌داند (حزب، ۱۳۵۹ ب: ۱۶-۱۴). پس حضور در مبارزه و مبارزه برای مسلمان بودن امری ضروری است و بدون آن انسان مؤمن مسلمان ممکن است به انحراف و راه خطا برود. در واقع، به گفته فارسی «اگر کسی مجاهد نباشد مسلمان نیست» (فارسی، ۱۳۵۸ الف: ۲۷). وی مجاهد را مسلمانی می‌داند که در مبارزه و جهاد مسلحانه حضور دارد. در مرتبه پایین‌تر از مجاهدین، قاعدین قرار می‌گیرند که در زمان پیامبر در دوره مدنی، همچنان شیوه مبارزه مکی را ادامه می‌دادند.

شیوه مکی مبارزه را وی شیوه غیرمسلحانه و جهاد ایدئولوژیک و تبلیغاتی می‌داند (فارسی، ۱۳۵۸ الف:۲۸). فارسی همواره گروه‌های هوادار روش‌های غیر قهرآمیز و مسالمت‌جویانه برای پیش‌برد انقلاب را تخطئه و نقد می‌کند و این گروه‌ها را ضد انقلاب و راست‌گرا و به مثابه دشمن می‌فهمد (فارسی، ۱۳۵۸ الف:۳۲).

۲-۲- مبارزه به مثابه جهاد

فهم مبارزه سیاسی با ارجاع به حوزه مفهومی جهاد، امری متداول در گفتمان حزب است. بر اساس اصل جهاد، مبارزه مسلحانه با آن‌ها که در برابر حق تسلیم نمی‌شوند امری لازم است (بهشتی، ۱۳۹۰:۱۰۱). با ارجاع به حوزه مفهومی جهاد، نزاع و ستیز در عرصه سیاسی نیز با نیروهایی که در برابر جریان حق تسلیم نمی‌شوند امری ضروری است. لازم به ذکر است در دیدگاه حزب جمهوری اسلامی جهاد به عنوان نزدیک‌ترین مفهوم اسلامی به مفهوم سیاسی مبارزه در نظر گرفته می‌شود و این همانی بسیار زیادی بین این دو مفهوم وجود دارد ولی در اینجا به دلیل درک استعاری مفهوم مبارزه بهتر است این دو مفهوم را به‌طور جداگانه بررسی کنیم.

جهاد از ریشه جهد و به معنای تلاش و کوششی است که همراه با رنج و تحمل مشقت باشد (رفسنجانی، ۱۳۶۱:۴۴). این تلاش اگر در برابر دشمن و مسلحانه در میدان جنگ باشد، جهاد در معنای مصطلح فقهی است. هاشمی رفسنجانی معتقد است در معنایی وسیع‌تر که در قرآن نیز بکار رفته، جهاد هر نوع تلاشی است که انسان با شرایط و نیت خاص در راه خدا و برای تحقق اهداف الهی انجام می‌دهد. به این ترتیب، مبارزه در راه خدا، در برابر دشمن خارجی و داخلی و تلاش سازنده برای اصلاح جامعه، جهاد در راه خدا خواهد بود (رفسنجانی، ۱۳۶۱:۴۵).

جهاد در دیدگاه اسلام مکتبی جایگاهی مهم دارد. در واقع، نماز از مهم‌ترین عبادات اسلامی که به مثابه ستون دین است، هم‌سنگ، همراه و توأم با مبارزه با دشمن فهمیده می‌شود. جهاد نیز در اسلام عبادت است (بهشتی، ۱۳۶۱:۵۳) و بسیار به آن توصیه شده است. هاشمی رفسنجانی نیز تأکید می‌کند اسلام مکتبی مجاهد‌پرور است (رفسنجانی، ۱۳۶۱:۶۷) و مجاهد، عالی‌ترین صفتی است که یک انسان می‌تواند به آن متصف شود. این صفت البته از آن کسانی خواهد شد که با جهان‌بینی مکتبی اسلام به جهاد و مبارزه مسلحانه در راه خدا می‌پردازند (رفسنجانی، ۱۳۶۱:۴۵). با همین دیدگاه، شرکت در مبارزات سیاسی در راه تحقق اهداف اسلامی امری ضروری برای انسان مکتبی و به مثابه عبادت

محسوب می‌شود.

حزب در مقدمه مواضع ما مجموعه موضع‌گیری‌ها و برنامه‌های خود در این کتاب را به مثابه «تجدید پیمان برای ادامه جهاد در راه خدا» می‌داند. جهادی که هدف آن تلاش در جهت حفظ انقلاب اسلامی از خطر انحراف از اسلام اصیل و شر دشمنان و فتنه‌ها و توطئه‌های داخلی و خارجی است (حزب، بی تا ب: ۷). جهاد مبتنی بر عقیده انسان‌های با ایمان علیه کثرتی‌ها و انحرافات حاکم سبب حیات جامعه می‌شود (حزب، بی تا ب: ۱۹). در این نگاه جامعه به مثابه بدنی است که ممکن است دچار بیماری، کهولت و حتی مرگ شود و بهشتی معتقد است راه درمان بیماری‌ها و زنده نگه داشتن جامعه جهاد است:

«جهاد سرچشمه حیات جامعه است و جامعه با جهاد و تلاش برای حفظ مقدسات و حقوق خود زنده است (بهشتی، بی تا ب: ۱۳۰)».

انقلاب اسلامی به عنوان کنشی سیاسی در جهت از بین بردن رژیم طاغوتی، از مهم‌ترین مظاهر جهاد علیه جریان باطل در جامعه است و حزب ادامه این جهاد و حفظ دستاوردهای آن را وظیفه خود می‌داند:

«جهاد امت مسلمان به رهبری امام خمینی به شورانگیزترین پیروزی خود یعنی پایان دادن به نظام استبدادی رسیده است» (حزب، ۱۳۸۹: ۲۸۰).

به همین دلیل شهید بهشتی در توضیح دلیل ورود وی و همفکرانش به عرصه سیاسی و انقلاب معتقد است که آن‌ها «در پرتو اعتقاد به وظایف اسلامی در صدد جهاد» برآمدند (بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۲۶) و حضوری فعال در انقلاب اسلامی داشتند. به این ترتیب، ورود به مبارزه سیاسی و انجام کنش‌های سیاسی و انقلابی برای حزب به مثابه جهاد در راه خدا و انجام وظایف اسلامی است.

در گفتمان رهبران حزب، این حزب به مثابه محلی برای عمل به یکی از مهم‌ترین برنامه‌های مکتب اسلام یعنی جهاد محسوب می‌شود. در این دیدگاه فعالیت و عمل و مبارزه سیاسی به مثابه جنگ و جهاد فهمیده می‌شود و مبارزه علیه دیگری به مثابه دشمن اسلام جنگ و نبردی مقدس یا به زبان مکتبی، جهاد است (بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۹۳). به همین ترتیب، شهید بهشتی حزب جمهوری اسلامی را محلی برای اجتماع و هماهنگی مجاهدان راه حق و انواع جهاد می‌داند (بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۷۱) و اعضای حزب نیز به مثابه مجاهدان و رزمندگان در میدان جهاد علیه دشمنان مکتب هستند (حزب، ۱۳۵۸: ۳۴). جهاد در نگاه حزب جمهوری اسلامی البته محدود به زندگی سیاسی و نبرد مسلحانه

نیست و در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان این مبارزه و جهاد علیه نیروهای شیطانی وجود دارد (حزب، ۱۳۸۹: ۱۷۱؛ بهشتی، ۱۳۶۱: ۵۵).

۲-۳- مبارزه به مثابه وظیفه و تکلیف

فهم مبارزه سیاسی یا جهاد در ارجاع به دو مفهوم اسلامی وظیفه و تکلیف، نقش مهمی در ترغیب نیروهای مکتبی برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی دارد. مفتوح تأکید می‌کند که در اسلام مبارزه با ظلم و تلاش در راه تحقق حکومت عدل الهی «وظیفه و فریضه» است (حزب، بی تا پ: ۷). بهشتی نیز معتقد است که مبارزه با مظاهر تفکرات غیرمکتبی و غیراسلامی در محیط و اجتماع یکی از مهم‌ترین فریضه‌ها و وظایف اسلامی است (بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۲۷). واضح است که به این ترتیب، جهاد و مبارزه سیاسی برای تحقق حکومت و نظام سیاسی اسلامی و نیز جلوگیری از سلطه نیروهای غیراسلامی بر جامعه، فریضه و تکلیف مؤمنان خواهد بود.

شهید بهشتی در سخنرانی در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ خطاب به روحانیون عضو حزب تأکید می‌کند حضور روحانیون در هر جایی که خشم انقلابی مردم علیه توطئه‌گران وجود دارد، ضروری است و به آنها توصیه می‌کند که خود باید برانگیزنده و پیشگام خشم‌ها و قهرها باشند (بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۴۴). آیت‌الله خامنه‌ای نیز مبارزه را «تکلیف» می‌داند و معتقد است باید با ایدئولوژی‌های الحادی مبارزه کرد اما تأکید می‌کند که در این مبارزه «ما جنگ را آغاز نمی‌کنیم (خامنه‌ای، ۱۳۶۰: ۶-۵)». در واقع، در این اظهارات نه تنها مبارزه و شرکت در آن تکلیف است بلکه با استفاده از حوزه مبدأ جنگ نیز فهمیده شده است.

شهید بهشتی لزوم حضور در مبارزه و شرکت فعال در نزاع علیه دیگری ضداسلامی و ضدمکتبی را از تفاوت‌های مهم اسلام مکتبی و اسلام سنتی می‌داند. در حالی که در اسلام سنتی اطلاعات از سلطان جائز و عدم مقابله با آن توصیه شده، در اسلام مکتبی بالاترین جهاد، گفتن سخن حق در برابر «صاحب قدرت ستمگر متجاوز» است. به همین دلیل است که وی اسلام مکتبی را با عنوان اسلام‌ستیز و جهاد یا آئین قهر انقلابی معرفی می‌کند (بهشتی و خامنه‌ای، بی تا: ۱۵؛ بهشتی، ۱۳۶۱: ۱۰). به این ترتیب، حضور در مبارزه سیاسی و تلاش برای هر چه اسلامی‌تر شدن جامعه از وظایف انسان مکتبی مسلمان است (بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۲۷).

۲-۴- مبارزه به مثابه فضیلت و عامل کمال

در گفتمان حزب این عقیده وجود دارد که اسلام انسان‌ها را از منظر طبیعی مساوی می‌داند و انسان‌ها از این جهت، فضیلت و برتری بر یکدیگر ندارند؛ اما همین انسان‌ها می‌توانند در عرصه عمل با اختیار و تصمیم خود ارزش‌های اضافی کسب کنند. هاشمی رفسنجانی ملاک دستیابی به این فضیلت و برتری را مجاهدت می‌داند. انسان با جهاد و مبارزه و تلاش در راه حق کسب فضیلت می‌کند (رفسنجانی، بی تا: ۲۹-۲۸). این سخن هاشمی رفسنجانی در ظاهر با آیه‌ای از قرآن که ملاک برتری و فضیلت را تقوا می‌داند تفاوت دارد اما وی با استناد به روایتی از پیامبر اسلام (ع) که مبارزه با گرایش‌های غیر الهی درون انسان را به «جهاد اکبر» تعبیر کرده، جهاد در عرصه اجتماع را از جهاد با نفس و رعایت تقوا جدا نمی‌داند (رفسنجانی، ۱۳۶۱: ۳۶-۳۵). در واقع در اندیشه وی تقوای فردی برای کسب فضائل اخلاقی و مبارزه سیاسی با ارجاع به مفهوم «جهاد» امری ملازم یکدیگر فهمیده می‌شوند که بر اساس آن لازمه دستیابی به فضیلت و کمال شرکت در مبارزه و جهاد علیه دشمنان اسلام خواهد بود.

در این دیدگاه، هر چه یک عنصر مکتبی از کینه و مهر انقلابی تهی شود به سمت ارتجاع، پوسیدگی و سقوط نزدیک‌تر می‌شود. انسان مکتبی باید عنصری انقلابی باشد و درونش از خشم و کین انقلابی و در عین حال از عشق به توحید مملو باشد (حزب، ۱۳۵۹ الف: ۹). این مواضع حزب مبتنی بر اصل اسلامی تولی و تبری است و طبق آن مبارزه با دشمنان خدا فضیلت و از مهم‌ترین فروع دین اسلام محسوب می‌شود. این مبارزه در عرصه سیاسی با مشارکت در منازعات معنا می‌یابد و این مشارکت کمال و فضیلتی برای انسان محسوب می‌شود. فضیلتی که در بیانیه ۳۰ شهریور ۱۳۵۸ خطاب به دانشجویان، سبب شکوفایی بعد الهی وجود انسان توصیف شده است:

«شورش بر علیه ظلم اقتصادی-اجتماعی- فرهنگی- سیاسی، وظیفه هر انسانی است

که درصدد شکوفاندن بعد خدائی وجود خویشتن است» (حزب، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

۲-۵- مبارزه به مثابه ابزار جداسازی حق و باطل

در گفتمان حزب، مبارزه سیاسی در استعاره‌ای هستی‌شناختی به مثابه ابزار جداسازی فهمیده می‌شود. در این دیدگاه، مبارزه فضیلت و خیری بزرگ است زیرا مرز میان حق و باطل را روشن می‌کند. در متون حزب، گاه از مبارزه با استعاره فتنه یاد شده است که به این کارکرد مرز گذاری آن

اشاره دارد. فتنه ابزاری برای از بین بردن ناخالصی‌ها است (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰) و حوادثی که به مثابه فتنه هستند حوادث پیچیده حاصل از تضاد و تعارض میان نیروهای مخالف و درگیر در جامعه است. مبارزه همچون فتنه، به مثابه ابزاری نیروهای حق و باطل، مؤمن و کافر و خالص و ناخالص را از یکدیگر جدا می‌کند (حزب، ۱۳۸۹: ۹۰).

۲-۶- مبارزه به مثابه وسیله

جدول شماره ۱- جمع‌بندی استعاره‌های حوزه مقصد مبارزه

حوزه مقصد	حوزه مبدأ	استعاره مفهومی	نتایج نظری استعاره
مبارزه	جنگ	مبارزه جنگ است.	برای حفظ اسلام و انقلاب باید با دشمنان مکتب جنگید و مبارزه مسلحانه نمود.
	جهاد	مبارزه جهاد است.	مبارزه و ستیز در عرصه سیاسی جهاد در راه خداست. راه درمان بیماری‌های جامعه جهاد و نبرد مقدس است.
	وظیفه و تکلیف	مبارزه وظیفه و تکلیف است.	مبارزه فریضه و وظیفه‌ای بر عهده انسان مکتبی است و این امر از تفاوت‌های اسلام مکتبی و غیر مکتبی است.
	فضیلت و کمال	مبارزه فضیلت و کمال است.	ملاک فضیلت و کمال انسان مکتبی مجاهدت و شرکت در مبارزه است. انسان مکتبی بدون مبارزه به سمت ارتجاع سقوط می‌کند.
	ابزار	مبارزه ابزار جداسازی حق و باطل است.	مبارزه، ستیز و نبرد نیروهای حق و باطل، مؤمن و کافر، مسلمان و ملحد و خالص و ناخالص را از یکدیگر جدا می‌کند.
	وسیله	مبارزه وسیله است.	مبارزه هدف نیست و اصالت ندارد. مبارزه وسیله‌ای برای مبارزه در راه خدا و رسیدن به فلاح و ارزش‌ها است.

(منبع: نگارندگان)

با وجود جایگاه مهم مبارزه در اندیشه حزب، اما این امر مهم هیچ اصلیتی ندارد و در جایگاه خود هیچ مطلوبیت ذاتی ندارد در واقع، مبارزه هدف فی‌نفسه نیست. گروه‌هایی مانند سازمان مجاهدین خلق، انقلاب و مبارزه را هدف گرفته‌اند و اسلام برای آن‌ها حکم وسیله مبارزه را دارد. به همین دلیل آن‌ها از اسلام فهمی گزینشی دارند؛ هر چیزی که به این مبارزه کمک کند را می‌پذیرند و به دیگر

امور بی‌توجه‌اند. از دیدگاه حزب، در استعاره‌ای هستی‌شناختی، مبارزه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف ملاقات خدا و استقرار امامت مستضعفین است اما در شعار مجاهدین خلق، مبارزه هدف است. هدفی فی‌نفسه در راه خلق که به مثابه یک بت سازنده ارزش‌ها درمی‌آید و می‌تواند منشأ رفتارهای غیرالهی باشد. در حقیقت، در نگاه حزب هدف از مبارزه سیاسی کسب سود و منابع مادی نیست و هدف آن تنها فلاح و رستگاری است (رهجو، ۱۳۵۸: ۲).

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر با مطالعه متن‌های منتشر شده از سوی حزب جمهوری اسلامی به بررسی دیدگاه این حزب در مورد علل و منشاء مبارزه در جامعه با تأکید بر مبارزه سیاسی و همچنین نوع فهم و ادراک این حزب از مفهوم مبارزه پرداختیم. حزب جمهوری اسلامی دریافتی فردگرایانه و روان‌شناختی از منشاء و علل مبارزه دارد. بر این اساس دو غریزه و گرایش درونی انسان‌ها یعنی افزون‌طلبی و خویش‌دوستی عامل شکل‌گیری درگیری و مبارزه در جامعه انسانی برای تصرف منابع و قدرت و سلطه بر دیگران می‌شود. افزون‌طلبی سبب ظلم و استثمار و خویش‌دوستی زمینه استکبار، نژادپرستی و تعصب فکری را بین انسان‌ها فراهم می‌کند. با اوج‌گیری و از کنترل خارج شدن این دو گرایش در جامعه اولیه انسانی که جامعه‌ای یکدست و هماهنگ بود، جامعه به طبقات، گروه‌ها و دسته‌های قوی و ضعیف، بالا و پایین تقسیم شد و ظلم و استثمار و استکبار در آن ریشه دوانید. در دیدگاه حزب این مبارزه راه‌حلی نهایی دارد و می‌توان با هدایت پیامبران ظاهری و باطنی (عقل) گرایش‌های درونی انسان که منجر به سرکشی و نزاع می‌شود به بند کشید و کنترل کرد و درنهایت به می‌توان به جامعه‌ای آرمانی رسید که در آن اثری از ظلم و ستم و در نتیجه مبارزه میان گروه‌های مختلف وجود نداشته باشد. پس مبارزه در دیدگاه حزب جمهوری اسلامی امری ذاتی نیست که از تا ابد حضور داشته باشد و می‌توان آن را با حاکمیت حق و هدایت جامعه از میان برداشت.

از سوی دیگر، ما با استفاده از تحلیل استعاره‌های مفهومی حوزه مقصد مبارزه در متن‌های حزب، به بررسی نوع درک و فهمی که از مفهوم مبارزه در گفتمان حزب وجود دارد پرداختیم. بر این اساس، مبارزه در دیدگاه حزب با حوزه‌های مفهومی مبدئی مانند جنگ، جهاد، وظیفه و تکلیف، فضیلت و کمال، ابزار و وسیله فهمیده می‌شود. در نتیجه، در گفتمان حزب جمهوری اسلامی مبارزه سیاسی

جنگ و جهادی مقدس در راه خدا با هدف حفظ انقلاب و مکتب و درمان بیماری‌های جامعه است. حضور در این جنگ وظیفه و تکلیفی بر عهده هر انسان مؤمن مکتبی است و سبب کمال و کسب فضائل و ارزش‌های اخلاقی و دینی می‌شود. از سوی دیگر، مبارزه ابزاری مهم برای جداسازی حق و باطل، خالص و ناخالص است و در جریان آن سره از ناسره و راه درست از نادرست مشخص می‌شود. در عین حال، جهاد و جنگ و مبارزه در جامعه هدفی فی‌نفسه نیست و صرفاً وسیله‌ای برای مبارزه در راه خدا و رسیدن به رستگاری و حاکمیت ارزش‌های الهی در جامعه است. به این ترتیب، می‌توان گفت مفهوم مبارزه در گفتمان حزب جمهوری اسلامی با استفاده از ادراکاتی صورت می‌گیرد که ریشه در تجربیات روزمره مذهبی دارد و بخش مهمی از کنش‌های مذهبی روزمره انسان مؤمن مکتبی با نبرد و ستیز در راه خدا گره خورده است. این امر به اندازه‌ای مهم است که مطالعه و شناخت اسلام بدون شرکت در مبارزات و منازعات سیاسی را زمینه‌ساز انحراف می‌داند.

منابع

الف- منابع فارسی

- بهشتی، سید محمد حسینی (۱۳۶۱ پ)، بررسی و تحلیلی از: جهاد، عدالت، لیبرالیسم، امامت، تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- ----- (۱۳۸۸)، حزب جمهوری اسلامی مواضع تفصیلی، تهران: بقعه.
- ----- (۱۳۹۰)، حزب جمهوری اسلامی، تهران: روزنه.
- بهشتی، سید محمد حسینی و سید علی خامنه‌ای (بی‌تا)، پاسخ به سؤالات، بی‌جا: حزب جمهوری اسلامی.

- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: پاپلی.
- حزب جمهوری اسلامی (۱۳۵۸)، *انگیزه تشکیل و موضع‌گیری‌های حزب جمهوری اسلامی*، چاپ دوم، تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- ----- (الف ۱۳۵۹)، *تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر: ویژگی‌های خط‌گرایش به غرب*، تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- ----- (ب ۱۳۵۹)، *القای ایدئولوژی آمریکایی*، تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- ----- (پ ۱۳۵۹)، *رسالت روحانیت*، تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- ----- (۱۳۸۹)، *مجموعه اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های حزب جمهوری اسلامی (از تأسیس تا شهریور ۱۳۵۸)*، به کوشش عبدالله جاسبی، تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی.
- ----- (بی تا الف)، *ترور فکری و ترویج شایعه*، بی‌جا: حزب جمهوری اسلامی.
- ----- (بی تا ب)، *مواضع ما*، بی‌جا: حزب جمهوری اسلامی.
- ----- (بی تا پ)، *سلسله دروس کانون گسترده*، قسمت اول: ویژگی‌های انقلاب اسلامی، تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۵۳)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، چاپ اول، تهران: صبا.

- ----- (۱۳۵۸)، خط امام، تهران: حزب جمهوری اسلامی ایران.
- ----- (۱۳۶۰)، درست فهمیدن اسلام، تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۳)، زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی، تهران: هرمس.
- دلاپورتا، دوناتلا و دیانی، ماریو (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ سوم، تهران: نشر کویر.
- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۸۳)، «تحول مبارزه سیاسی؛ از عصر دولت-ملت تا عصر جهانی شدن»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۲، صص ۱۴۳-۱۰۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۱)، «تحول نظریه‌های مبارزه و همکاری در روابط بین‌الملل»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۸، صص ۱۱۶-۷۳.
- رفسنجانی، علی‌اکبر هاشمی (۱۳۶۱)، خطبه‌ها و جمعه‌ها، تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- ----- (بی‌تا)، انقلاب یا بعثت جدید، قم: انتشارات یاسر.
- روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۵۸)، «مراسم باشکوه میلاد امام زمان در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی»، روزنامه جمهوری اسلامی، سال اول، شماره ۳۲، ۱۶ تیر ۱۳۵۸، ص ۱.
- ----- (۱۳۶۰)، «کوره آزمایش»، سال دوم، شماره ۵۲۲، ۸ فروردین ۱۳۶۰، ص ۱.

- رهجو، حسین (۱۳۵۸)، «از مسجد تا سنگر»، روزنامه جمهوری اسلامی، سال اول، شماره ۱۰، ۲۰ خرداد ۱۳۵۸، ص ۲.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۵۸ الف)، تکامل انقلاب اسلامی ایران، تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- ----- (۱۳۵۸ ب)، انقلاب بیخون، تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- کوچش، زولتان (۱۳۹۶ الف)، استعاره: مقدمه‌ای کاربردی، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: نشر آگاه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸ الف)، گفتاری درباره جمهوری اسلامی، تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- ----- (۱۳۵۸ ب)، مسأله نفاق، تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- ----- (۱۳۶۱)، تکامل اجتماعی انسان در تاریخ، تهران: حزب جمهوری اسلامی.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴)، جامعه و اقتصاد: مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی اقتصادی، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عمادزاده، تهران: مولی.

ب- منابع لاتین

- Coser, Lewis (1956). *The Functions of Social Conflict*. New York: The Free Press.

- Deignan, Alice (2016) “*From Linguistic to Conceptual Metaphors*”. In: Semino, E and Demjen, Z, (eds.) *The Routledge Handbook of Metaphor and Language*. Routledge Handbooks in Linguistics. Routledge, London, 102-116.
- Lakoff, George & Johnson, Mark (1980b). *The Metaphorical Structure of the Human Conceptual System*. *Cognitive Science*, No 4, 195-208.
- ----- (1980a). *Metaphors We Live By*. Chicago: *The University of Chicago Press*.
- Lakoff, George (1993). “The Contemporary Theory of Metaphor”, in Ortony, Andrew (ed). *Metaphor and Thought*, Second Edition, Cambridge: Cambridge University Press, pp 202-250.
- Landau, Mark.J & Robinson, Michael D. & Meier Brian P. (2014). *The Power of Metaphor: Examining Its Influence on Social Science*, Washington D.C: American Psychological Association.
- Nokele, Amanda (2014). “Identifying conceptual metaphors using the Metaphor Identification Procedure Vrije Universiteit”. *South African Journal of African Languages*, 34:1, 75-86.
- Pragglejaz Group (2007). “MIP: A Method for Identifying Metaphorically Used Words in Discourse”. *Metaphor and Symbol*, 22(11), p 1-39.
- Schmitt, Rudolf (2005). “Systematic Metaphor Analysis as a Method for Qualitative Research”. *The Qualitative Report*, 10(2), 358-394.
- Steen, Gerard (2007). *Finding Metaphor in Grammar and Usage: A Methodological Analysis of Theory and Research*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins Publishing Co.

- Steen, Gerard J. & Dorst, Aletta & Herrmann, J. Berenike & Krennmayr, Tina & Pasma, Trijntje (2010). *A Method for Linguistics Metaphor Identification: From MIP to MIPVU*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Co.
- Stefanowitsch, Anatol (2006). “*Corpus-based Approaches to Metaphor and Metonymy*”, in Stefanowitsch.
- Anatol & Gries, Stefan. Th (ed). *Corpus-Based Approaches to Metaphor and Metonymy*. Berlin: Walter de Gruyter GmbH & Co, pp 1-16.